



# آندیسوا سټارهې فوتبال

- ✎ Eden Daniels
- 👤 Eden Daniels
- 📖 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)
- 💬 dari
- 📊 nivå 2





آندیسوا چَند پِسر را دَر حالِ بازی فوتبال تماشا کرد. او آرزو داشت که بتواند آن‌ها را همراهی کند. او از مَرَبی پُرسید که آیا می‌تواند با آن‌ها تمرین کند.



مُرَبِّي دَسْتَانَش رَا رَوِي كَمَرَش كُذَاشْت وَ كُفْت: "دَر اَيْن مَكْتَب،  
فَقَط پَسَرهَا اِجَازَهِي فَوْتِبَال بَازِي دَارَنَد." "



پسرها به او گفتند برو بسکتبال بازی کن. آنها گفتند بسکتبال  
برای دخترهاست و فوتبال برای پسرها. آندیسوا آندوهگین  
شد.



روزِ بَعْدِ، آن مکتبِ یَکِ مُسَابِقَه‌ی بزرگِ فوتبالی داشت. مُرَبِّی  
نِگَران بود چون بَهِتَرین بازیکنش مَریض بود و نِمی‌توانست  
بازی کُند.



آندیسوا به سَمَتِ مُرَبِّی دَوید و اِلْتِماسِ گَرْدِ کِه به او اِجازِه ی  
بازی بَدَهَد. مُرَبِّی مُطْمِین نَبود که چه کاری اَنجام بَدَهَد. سِپَس  
تَّصمِیمِ گِرَفَت که آندیسوا می تَوانَد تیم را هَمراهی کُنَد.

بازی سختی بود. هیچکس تا نیمه‌ی بازی گل نزده بود.





دَر جَرِيانِ نيمه يِ دُوْمِ بازي يِكي از پَسَرها توپ را به آنديسوا پاس داد. آنديسوا با سُرْعَتِ خِيلي زياد به سَمَتِ دَرِوازه حَرِگَت گَرْد. او مَحْکَم به توپ ضَرْبِه زَد و توپ گُل شد.





تماشاچیان بسیار هیجان زده شدند. ازان زمان به بعد، دخترها هم اجازهی بازی فوتبال در مکتب را پیدا کردند.



# Sagor för barn på svenska

[berattelser.se](https://berattelser.se)

آندیسوا سِتارهِي فوْتبال

Skriven av: Eden Daniels

Illustrerad av: Eden Daniels

Översatt av: Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)

Denna saga kommer från African Storybook ([africanstorybook.org](https://africanstorybook.org)) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<https://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons  
[Erkännande-IckeKommersiell 3.0 Internasjonal Lisens](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/).